



انتخاب انتظار

بلیقیس سلیمانی در داستان بلند **نشان کرده** به سراغ ناگفته‌هایی از زندگی زنان در جنگ تحمیلی رفته است

می‌رود. دیگر منتظر ماندن برایش یک ضرورت نیست؛ بلکه تصمیمی آگاهانه و بخشی از هویت شخصی‌اش می‌شود. این‌گذار، بازتابی از مقاومت پنهان زنان در برابر فشارهای میراثی و تابوهای فرهنگی است که می‌خواهند نقش زن را به همسر یا نامزد غایب محدود کنند و از او اسوه صبر و سکوت بسازند. در این مسیر تحول، نویسنده به خوبی به لحظات کوچک اما تعیین‌کننده اشاره می‌کند: حضور خوبناز در فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی، از دیدار با دوستانی که از جنگ و شرایط فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی، از دیدار با آن عبور کرده‌اند تا مواجهه با خانواده‌هایی که مسیر زندگی تازه‌ای در پیش گرفته‌اند و حتی گفت‌وگوهای کوتاهی که در خلال این رفت‌وآمدها، زن را با پرسش‌های تازه روبه‌رو می‌سازد. همه اینها باعث می‌شود انتظار دیگر تنها مایه‌آزای وفاداری نباشد، بلکه به نشانه‌ای از انتخاب تبدیل شود.

کرمان و گوران، میدانی برای روایت

سلیمانی در انتخاب جغرافیا برای این اثر، تنها به ساخت یک مکان ساده رضایت نمی‌دهد. کرمان، با تاریخ، اقلیم و مردمش، حضور ملموسی در اغلب روایت‌های داستانی او دارد. «گوران»،

چهره‌ای همزمان آشنا و ناشناخته برای مخاطب ایرانی است. آشنا، چون بارها در تاریخ اجتماعی ایران، به‌خصوص در مواجهه با وقایع هشت سال دفاع مقدس، زنان منتظر و شبیه او را دیده‌ایم؛ در قلاب عکس‌ها، در برپایی مراسم‌های سالگرد، در خانه‌هایی که هنوز وسایل عزیزبازنگشته‌شان مرتب نگهداری می‌شود و ناشناخته، چون این زن روایت خودش را دارد، زنی که از قالب زن روایت خودی می‌آید و به‌گونه‌ای فاصله می‌گیرد. مرسوم و انتظار برای او ابتدا یک وضعیت تحمیلی است؛ وضعیتی که از شرایط تاریخی و اجتماعی می‌آید و به‌گونه‌ای همچون سایه‌ای سنگین بر زندگی روزانه‌اش می‌افتد. به‌عنوان زن جوانی که نامزدش مراد، به جنگ رفته و دیگر بازنگشته، او نه‌تنها با فقدان شخصی مواجه است، بلکه با نگاه عمومی و اجتماعی نیز دست و پنجه نرم می‌کند؛ نگاهی که وفاداری و سکوت او را مطلوب می‌داند و تداوم آن را طلب می‌کند. اما در این داستان شاهد حرکت دیگری نیز هستیم؛ سلیمانی تغییر درونی شخصیت اصلی داستان را گام به گام و با ظرافت روانی نشان می‌دهد؛ آنچنان که زن از حفظ وضع موجود به سمت بازتعریف آن پیش

رمان ایرانی

مریم شهپازی

گروه کتاب

داستان بلند «نشان‌کرده» آخرین کتاب بلیقیس سلیمانی، روایتی است که از دل تجربه‌های زیسته و حافظه جمعی شکل گرفته و به داستانی خواندنی تبدیل شده است. این اثر صرفاً کابیتی عاشقانه یا فقط بازتاب وقایع جنگ ۸ ساله نیست، بلکه پیوندی میان فرهنگ، تاریخ و فردیت به شمار می‌آید؛ جایی که روی بوم فرهنگی، لایه‌های روان‌شناختی و کشمکش‌های اجتماعی درهم‌میخند و روایت زنان و مردان را در لحظات تعیین‌کننده تاریخ معاصر ایران پیش روی خوانندگان می‌گذارد. سلیمانی با زبانی روان و تصویرسازی‌هایی دقیق، مخاطب را به سفری میان گذشته و حال می‌برد؛ سفری که پرسش‌هایی بنیادین درباره مفهوم انتظار، وفاداری و نقش تابوها و رفتارهای تحمیلی اجتماعی-فرهنگی بر زندگی زنان را پیش می‌کشد.

زنی با שמایل انتظار

خوبناز، شخصیت زن اصلی «نشان‌کرده»

در مرز بودن و نبودن

کتاب مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا نوشته سما بابایی به زندگی دوزن در جنگ می‌پردازد



مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا

- نویسنده: سما بابایی
- انتشارات: نشر برج
- تعداد صفحه: ۱۲۸ صفحه
- قیمت: ۲۱۵۰۰۰ تومان

مردی که یک روز در جایی جا ماند و

هرگز بازنگشت. جنگ که می‌شود، مثل همین روزهای تلخی که در آن دوازده روز گذراندم یا در آن دوهزار و ۸۹ روز دهه شصت، سهم بسیار دل‌ها «ناامای» می‌شود. «سهراب» در صبحی غبارآلود، از خانه رفته و سوار بر پرندۀ آهنین خویش در آسمان ناپدید شده، بی‌آنکه به آن خانه رفته و سوار بر پرندۀ آهنین خود برده است زیر گوری که حتی نشانی بر آن نیست. حال سال‌ها گذشته و این بی‌آنکه حتی جسارت بیانش را داشته باشد که راز نهفته در سینه‌شان، هیچ مجال بازگو کردنش را نمی‌دهد و نمره این زنان نشسته، مردها رفته‌اند و خنده‌های این دوزن برای همیشه نیمه‌کاره مانده. آن عشق نیز بدل شده به یادگاری ابدی از ناامای. دوزن،

مستند و حتی موسیقی شده‌اند. این آثار به ایجاد سیاسی و انسانی آن دوران پرداخته‌اند، بی‌آنکه صرفاً در خدمت یک نگاه رسمی یا تبلیغاتی باشند. تفاوت اساسی در اینجاست: ادبیات و هنر جنگ بازاندیشی و فهم عمیق‌تر تجربه انسانی به کار گرفته شده، اما در ایران بیش از آنکه به کتاب منتشر نشده است، تناقض‌ها و تزاودی‌های جنگ پرداخته شود، روایت‌های رسمی و یک‌سویه غالب بوده‌اند. نتیجه این است که به جای شکل‌گیری میراثی چندلایه و قابل اعتنا، مخاطبان امروز به این متون با بی‌اعتمادی نگاه می‌کنند و بسیاری از مصادهای اصیل در میابن هیاهوی سفارش‌ها گم شده‌اند. در دراین سال‌ها، گاهی سیاست‌گذاری‌ها و نگاه‌های سفارشی بر ادبیات «جنگ» ما سایه انداخته که این تجربه تاریخی و جمعی، به عرصه‌ای محدود و یک‌جانبه تبدیل و سبب شده تا ذهن بخشی از مخاطبان، عنوان «ادبیات جنگ» را مترادف با آثاری سفارشی بدانند که نویسنده‌اش، سفارشی از جایی گرفته و اثری کم‌مایه یا متوسط‌المایه ارائه داده است. درست به همین خاطر است که در آن دسته از آثار صادقانه‌ای که در این زمینه خلق شده‌اند، ممکن است زیر سایه بی‌اعتمادی عمومی قرار بگیرند و با دیده تردید خوانده شوند. وضعیت البته در سینمای ایران بهتر است و آثار ماندگاری درباره جنگ ساخته شده است که می‌توان آنان را جزو برترین آثار سینمایی دهه‌های اخیر دانست.

این در حالی است که در تجربه جهانی، «جنگ» به عنوان یکی از عمیق‌ترین رویدادهای انسانی، همواره الهام‌بخش ادبیات و هنر بوده است و دهه‌ها پس از پایان جنگ جهانی دوم، هنوز رمان‌ها، خاطرات و فیلم‌های تازه‌ای از آن واقعه منتشر می‌شود و همواره نسل‌های تازه نیز با نگاهی نو به آن رجوع می‌کند. جز آن، به تهاجم آمریکا به عراق و افغانستان نیز می‌شود نگاهی انداخت که با وجود حساسیت‌های سیاسی، منبع خلق آثار متعدد و جدی در حوزه سینما، رمان،

فرهنگی داستان را می‌سازند. حتی کوچک‌ترین جزئیات، مثل شیوه برگزاری مراسم یا طراحی خانه‌ها، بخشی از شناخت خواننده را از فضای حاکم بر «گوران» کامل می‌کند. این پیوند میان مکان و روایت، تأثیر تصمیم‌های شخصیت‌ها را چندبرابر می‌کند؛ زیرا هر انتخاب، در زمینه‌ای ریشه‌دار معنا می‌گیرد.

سنگینی حضور غیرمستقیم جنگ

جنگ در «نشان‌کرده» هیچ‌گاه به صحنه نبرد مستقیم تبدیل نمی‌شود، ولی حضورش همان قدر سنگین است که در میانه میدان حس می‌شود. سلیمانی تمرکز خود را بر زندگی پشت جبهه گذاشته؛ بر زنانی که نه لباس خاکی پوشیدند و نه تنفگ گرفتند، اما بار سنگین جنگ را به شکل دیگری به دوش کشیدند. تصویرسازی‌های سلیمانی از جنگ و تبعات آن در این کتاب همگی برآمده از تجربیات زیسته‌اش هستند؛ از اشاره مختصری که به رخت‌شوی‌خانه لباس رزمندگان می‌کند تا آنجا که خوبناز به خانه کوچکی قدم می‌گذارد که همسران چند شهید به همراه فرزندان‌شان به شکلی اشتراکی در آن زندگی می‌کنند تا اجاره کمتری بپردازند.

در بافت داستان، جنگ، خلأیی طولانی و پرهزینه ایجاد می‌کند؛ نه‌تنها برای خانواده‌ها، بلکه برای کل جامعه. زبانی مانند شخصیت اصلی، با مراسم یادبود، شایعات متناقض و فشارهای فرهنگی روبه‌رو هستند؛ فشارهایی که به او می‌گویند سکوت و صبر بهترین واکنش است. در همین سکوت، سال‌ها سپری می‌شود، بی‌آنکه پاسخی روشن از سرونوشت عزیزان گمشده به دست آید. «نشان‌کرده»، نمونه‌ای از این فشارها را نمایان می‌کند؛ آنچنان که ترجیح می‌دهد نامزد گمشده‌اش را به‌عنوان رزمنده و اسیر معرفی کند، حتی اگر حقیقت تا حدی متفاوت باشد. این انتخاب، بیشتر از آنکه بیان واقعیت باشد، کاری است برای حفظ آبرو و هماهنگی با معیارهای اجتماعی. در نگاه جامعه، چنین روایتی شرافتمندانه‌تر از بازگویی واقعیت تلخ یا مبهم است. نویسنده با استفاده از تجربه‌های شخصی و مشاهدات خود از سال‌های جنگ، لایه‌های روانی این وضعیت را نشان می‌دهد؛ اضطراب دائمی، فرسودگی عاطفی و تلاش برای ساختن یک زندگی «عادی» در شرایط غیرعادی. او به بار آثار



سلیمانی در این داستان تمرکز خود را بر زندگی پشت جبهه گذاشته؛ بر زنانی که نه لباس خاکی پوشیدند و نه تنفگ گرفتند، اما بار سنگین جنگ را به شکل دیگری به دوش کشیدند



نشان کرده

- نویسنده: بلیقیس سلیمانی
- انتشارات: چشمه
- تعداد صفحه: ۱۵۷ صفحه
- قیمت: ۲۲۰ هزار تومان

بلندمدت جنگ اشاره می‌کند؛ به تغییر نقش‌های خانوادگی، به مهاجرت‌های درون‌کشوری و به بازتعریف روابط اجتماعی در دوران پساجنگ.

پلی میان بومی گرایی و جهان‌روایی

زبان در «نشان‌کرده» برآمده از هم‌نشینی دو جهان است: جهان محلی که با واژگان، اصطلاحات و ریتم گفت‌وگوها ساخته می‌شود و جهان ادبی که با تصویرسازی و روایت منسجم شکل می‌گیرد. این ترکیب، متن را برای قشرهای متفاوتی از خوانندگان جذاب می‌کند؛ چه آنان که به فضای بومی آشنا هستند، چه آنان که با آن غریبه‌اند. البته بهره‌مندی نویسنده از اصطلاحات بومی در اندازه‌ای است که حال و هوای فرهنگی

خُلجَمکی در چشم دوستان!

زینت خانم بارها و بارها به او گفته که معلوم نیست واقعاً نامزدش در اسارت باشد. اما حرف زینت خانم و کل اهالی گوران و دره‌شور چه اهمیتی دارد؟ آنکه باید مطمئن باشد خودش است و آنکه باید باور کند هم باز خودش است. مهرانگیزی می‌گوید «آهان، پس جریان این»؛ و خارا دهسته‌دسته می‌خلند در قلب خوبناز؛ هم‌لاسی سابقش هم باور نمی‌کند نامزد او اسیر است و از آن بدتر، کاملاً مشخص است که او هم خوبناز را خُلجَمکی بیش نمی‌بیند. یکی از همسران شهدا که خوبناز حالا می‌داند اسمش اشرف است همان طور که سبزی چای را جلوی زینت خانم و خوبناز می‌گیرد داستان خانواده‌ای را می‌گوید که پسرشان شهید نشده ولی اصرار دارند او را شهید فرض کنند. چرا؟ معلوم است، چون افتخار و مزایا دارد. زن وقتی دوباره می‌نشیند سر جایش، داستان شهید فرضی را سر صبر تعریف می‌کند. در تمام مدتی که اشرف خانم داستان شهید فرضی را تعریف می‌کند، خوبناز لحظه‌ای چشم از او برنمی‌دارد.



چه با اسرائیل) در بسیاری از منابع نظامی و سیاسی بازخوانی شده و می‌شوند، اما در سطح روایت‌های زنانه هنوز جای ظرفیت‌های بزرگی دارد و تاریخ رسمی، بدون این روایت‌ها ناقص می‌ماند. به همین دلیل ادبیات، رمان، خاطره‌نویسی و شعر، می‌تواند پلی باشد برای شنیدن صداهایی که در هیاهوهای جاری گم می‌شوند و در شرایطی که هنوز سایه جنگ دوازده روزه از ایران دور نشده، پیش از هر زمان دیگر، لازم است به جایگاه زنان در روایت جنگ توجه‌شود که زنان، حافظان اصلی این خاطراتند و «مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا» تلاشی است در این زمینه.

زندان‌های داخلی گرفتار شدند. این دوگانه تراژیک، عمق تناقضات تاریخی و اجتماعی دهه‌شصت را آشکار می‌سازد؛ دهه‌ای که در آن مفهوم اسارت، به اشکال متفاوت تجربه شد و نویسنده در بخشی به زندگی آدم‌هایی پرداخته که در حاشیه تاریخ مانده‌اند؛ کسانی که تجربه‌های‌شان کم‌تر مجال بازگویی یافته است. به این ترتیب، کتاب نه تنها سندی درباره جنگ که روایتی از «زندگی در دهه شصت» است؛ زندگی‌هایی که در هم‌پوشانی سیاست و جنگ شکل گرفتند. این اثر در واقع به ما یادآوری می‌کند تاریخ صرفاً با روایت‌های رسمی ساخته نمی‌شود، بلکه در دل سرگذشت فردی انسان‌های عادی



کتاب «مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا» نه تنها سندی درباره جنگ که روایتی از «زندگی در دهه شصت» است؛ زندگی‌هایی که در هم‌پوشانی سیاست و جنگ شکل گرفتند. این اثر در واقع به ما یادآوری می‌کند تاریخ صرفاً با روایت‌های رسمی ساخته نمی‌شود، بلکه در دل سرگذشت فردی انسان‌های عادی نهفته است

کاوش در حافظه جمعی

سما بابایی، نویسنده «مرثیه‌ای برای آفاق و ثریا» سال‌ها در حوزه روزنامه‌نگاری هنری (موسیقی) فعال بوده و در مطبوعات ایران، یادداشت و نقد و گفت‌وگو و گزارش نوشته است. او حالا مثل بسیاری دیگر از هم‌صنفان خود، ناگزیر به گذر از روزنامه‌نگاری شده است و مشغول به کارهای دیگر، اما نوشتن را پیش از روزنامه‌نگاری آغاز کرده و حالا نیز ادامه می‌دهد. او که مجموعه داستان «لیلا» را نیز به تحریر درآورده، درباره دورانی نوشته که خود آن را تجربه نکرده، اما همین فاصله نسلی باعث شده بتواند با نگاهی پرسش‌گرانه، به جای اتکای صرف بر حافظه شخصی، به روایت‌ها، اسناد و گفت‌وگوهای متعدد تکیه کند. شاید همین سابقه و صیغه روزنامه‌نگاری او سکویی شده برای رفتن به سراغ تاریخ، کاوش در حافظه جمعی و بازآفرینی روایت‌هایی که اگر ثبت نشوند، برای همیشه فراموش می‌شود.

